

عنوان مقاله:

تاویل یا تعبیر: بررسی مقایسه ای نظریه «تاویل» محمدحسین طباطبایی و نظریه «روایهای رسولانه» عبدالکریم سروش

محل انتشار:

دوفصلنامه پژوهش های ادیبانی، دوره 9، شماره 18 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 19

نویسندگان:

حسین امامی - دانشجوی دکترای فلسفه غرب دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

بیژن عبدالکریمی - دانشیار گروه فلسفه، دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران

خلاصه مقاله:

نگاهی تطبیقی به نظریه «تاویل» طباطبایی و نظریه «روایهای رسولانه» سروش نشان می دهد که هر دوی آنها کنه متن مقدس را محصور در ساختار تاریخی اش نمی دانند، و به حقیقت و باطن متن مقدس در پس ظواهرش می اندیشند. نظریه تاویل که قوس صعود و خلاف قوس تنزیل و انزال، و به معنای کشف ارتباط میان مصحف موجود با حقیقت عینی اش (یعنی کتاب مکنون، ام الكتاب) است، به دلایل گوناگونی بر نظریه روایهای رسولانه برتری دارد؛ نظریه تاویل ۱. با سنت سامی، عبری، اسلامی سازگار است؛ ۲. هم زمان همه شواهد را پوشش می دهد؛ ۳. با منطوق قرآن انطباق تام دارد؛ ۴. قدسیت و بشری بودن قرآن را هم می پذیرد؛ ۵. می تواند به دغدغه های مذکور در مقاله ششم روایهای رسولانه، که سروش را به بشری و رویایی انگاشتن قرآن سوق داده است، پاسخ دهد؛ ۶. رویکرد عرفانی و اشراق نظریه تاویل از ام الكتاب باعث شده است طباطبایی، برخلاف سروش، از معرفت گزاره ای فراتر رود و به معرفت وجودی و شهودی برسد، اما سروش با پذیرش بسط تجربه نبوی و روایهای رسولانه به جای حل مسئله به حذف آن روی آورده است.

کلمات کلیدی:

تاویل، روایهای رسولانه، محمدحسین طباطبایی، عبدالکریم سروش

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1379721>

